

باغ ایرانی را چگونه مرمت کنیم؟

26 آبان 1395 - فرخ باور

در میانه‌ی سربریدن‌ها و تجاوزها و ویرانی‌های داعش که بخشی از فرهنگ این دوره‌ی جهان هنگام جنگ‌های سوم جهانی شده بازهم به باغ ایرانی پردازیم، نه از بیکاری و یا دلخوشی از دادن شعار یا تکرار مکررات، که در تکرار هیچ هنری نهفته نیست و در راه کار خلاق فرهنگ پویا جایی برای درجا زدن و تکرار نیست، که باغ ایرانی عبارت است از یک فهرست، کوتاه و بلند و این چیزی است که در گرماگرم این روند مبارزه تبدیل به مانعی سرراه می‌شود، آنهم به این دلیل ساده، که هنگامی که باغ‌ها، به هر دلیل، حتی به دلیل مرمت و تغییر کاربری از باغ خصوصی به پارک عمومی تخریب می‌شوند و لازم است کاری صورت بگیرد، در همایش و محفل و خانه هنوز پرسیده می‌شود باغ ایرانی چیست؟ و بزودی می‌گوئیم که نیست! و این کاری بس دشوار است که هنگام رسیدن بر لب پرتگاه تمدن بشریت و نیاز به جهش از روی توحش و بربریت ما باید هنوز مساله و مشکل باغ ایرانی را کش دهیم. اما از آنجایی که نجات باغ ایرانی بخشی از نجات هویت و فرهنگ و زبان و ادبیات و شعر و سلامت و انسانیت و مرزهای جغرافیایی و فرهنگی و اعتقادی و هرآنچه که به هویت ایرانی انسجام می‌دهد هست، و از آن جدا نیست، پس لازم است، اما زمان و شتاب آن دست خود باغ نیست، و به شتاب کل روند بستگی دارد و جزو آن است. پس می‌توان فهمید چقدر این به دور خود چرخیدن و تکرار مکررات چقدر این موضوع مهم و زیبا را جدا و منزوی کرده و عاقبت می‌خشکاند.

ما شاید هنوز بیشتر به "چرا"ها می‌پردازیم و در پیچ آنها گیر کرده ایم و کمتر "چگونه"ها را باز می‌کنیم. پرسیدم: چگونه در ایام کهن فهمیدند "مکان سازه‌های آفتابی در دهانه‌ی غلامان بعنوان نیمروز نیم کره‌ی خشک شمالی آنجاست؟ از راه زمین؟ از آسمان و از روی صورتهای فلکی؟ کواکب؟ مغناطیس؟

ز اختر شناسان هر کشوری - زهرجا که بد نامور مهتری،

برکید رفتند کاین جام کرد - به روز سپند و شب لاجورد،

همه طبع اختر نگهداشتند - فراوان بر این روز بگذاشتند،

تو از مغناطیس گیر این نشان - که او را چنین کرد آهن کشان،

همه بودنی ها بگوید به شاه - ز رخشنده خورشید و گردنده ماه.

وقتی دانشمندان و روشنفکران رمز رازهای استون هنج را نفهمیدند کنارش گذاشتند و به چیزهای نلسون چسبیدند. همین روشنفکران که راز دهانه ی غلامان را نفهمیدند به مرادی غیاث آبادی پریدند. سطوح تکتونیک زمین حرکت می کنند و همین دو ماهه ی اخیر با چند هزار پیش و پس لرزه های مرکز ایتالیا، نوک کوه بلند آن 70 سانتیمتر بالاتر و دشت ها فرو رفته، قاره ها می چرخند و جابجا می شوند، بجز نوسان سماوی محور زمین میان 21 و 24 درجه نسبت به سطح افق، یعنی گردش انتقالی زمین، که هر 72 سال یک درجه می چرخد و باعث می شوند زوایای سازه های کهن اکنون دقیق نباشند. تقصیر از مرادی غیاث آبادیست؟ باشد. مشکلی نیست پایش را بشکنیم؛ رسوایش کنیم! شاید که اعدامش کنیم! تا که نفی اش کنیم و نگذاریم دیگر لقمه بزرگتر از دهانش بر دارد و برای دیگران هم بگذارد. هرچه هست اگر به 12000 سال پیش برگردیم و محور زمین را در قطب شمال حول مرکز زمین 167 درجه برعکس جهت حرکت زمین بچرخانیم ناگهان هواکش های اطاق ملکه و پادشاه در هرم خوفو روی کمر بند جبار (اورپون) و سیریو و ستاره ای در شمال چفت می شود و هرم می گوید این شناسنامه ی منست، و یا 25.800 هزار سال دیگر هم بیفزایید و شاید آن تولد منست. ما بدنبال رازیم و تا کنون بسیار یافته ایم که جزو دانش و اساس کار ماست گرچه همیشه نسبت به آنها حضور ذهن نداریم. اگر از دمکریتوس صوفیا می پرسیدند قطر خورشید چه اندازه است می گفت تا آنجا نروم و اندازه نگیرم نمی توانم پاسخ بدهم. اما اگر صد سال بعد از ایپور همین پرسش را می کردند، در حالی که در حمام ولگرم لمیده بود با انگشت شستش خورشید را اندازه می گرفت و می گفت حدود 2 سانت. و کارل مارکس جوان در پایان نامه ی دانشگاهی اش تفاوت میان این دو متفکر اتمی را پس از صدها سال کنکاش کشف می کند و نشان می دهد. اما خود پسندی و انزوای ما باعث شد وقتی در غرفه ی روسیه در اکتوبر 2015 دستگاه کیمیاگری را به نمایش گذاشته بودند در غرفه ی ایران که میراث دار آن و الکل است بجای نمایش فیلم گلابگیری فقط عکسی از گل محمدی بود و بجای زنان و مردان عشایر، کاریکاتوری از آنها با دختران دماغ نخودی جلوی غرفه ای که بیشتر یک رستوران گران بود.

و این از بدبختی ماست که دور خود می چرخیم و به خود می رسیم و می پرسیم آیا از بیم شب و موجی حائل بیرون می شویم؟

اکنون، پیشنهاد تدوین منشور برای باغ ایرانی معوق باقی ماند. بعضی ها متن را نخوانده مخالفند و بعضی ها فعلا مخالفند تا اول معلوم شود باغ ایرانی چیست. این مخالفت یا به تعویق انداختن نه از روی غرض که از روی نادانی نسبت به خطر است. پیشنهاد می کنم هیاتی از کسانی که از فاجعه ی مرگ باغ خبر ندارند برای بررسی چند باغ و نمونه های دیگر تغییر کاربری دست به کار شوند:

1- باغ جهان نمای شیراز. نقشه های آنچه که بود با آنچه را که شد مقایسه شود. روایت و حکایت باغبان پیر ثبت و ضبط شود. کسانی که می گویند درختان بلند کاج را خشک تحویل گرفتند دروغ می گویند و آنقدر وقیح هستند که روی جسد آنها تندیس نیز میسازند. آنها مانند مسئولان امامزاده در تجریش که نخست با آسفالت کردن خاک پیرامون درخت تا حلقون آن باعث خشک شدن چنار هزار ساله می شوند سپس جسدش را برای چند سال با آهن سراپا نگه میدارند مرده خورند! این گروه شکاک یا مخالف سپس باید دلیل این که چرا فئات احیا نشد، چرا کوشک وسط باغ مرمت و آب حوض در سه طرف آن روان نشد، چقدر پیاده راه پهن شد و چرا کف سازی آن حلقوم کاج ها را فشرد، و چرا زمین باغ با چمن انگلیسی پوشانده شد و کلا چقدر از ماهیت باغ کاسته شد و چرا نام آن باغ، جهان نما بود. تا پس از این تشخیص، برنامه ی علاج تجویز شود و در منشور باغ ایرانی، که به همین دلیل نباید به دست سلیقه ی فردی سپرده شود قید گردد.

2- باغ گلشن طبس. قبل از عمل چگونه بود؟ چرا تور لیدر جوان به تلخی علیه مرمت باغ اشاره ای کرد؟

3- سپس باغ های قصرادشت شیراز. ما بعنوان موسسه به یک آنالیز از روند تخریب ششهای بزرگ شهر

شیراز بعلت حرص و طمع و چشم هم چشمی های مالکین خصوصی آن نیاز داریم تا برای آن راهکار

در منشور ارائه دهیم؟

4- و دلیل پر کردن دره ی الله اکبر شیراز و یتیم شدن دروازه قرآن، و بزک آن با ساخت و ساز هفت شهر

عشق مانند نوشدارو پس از مرگ سهراب؟

- 5- و مقایسه ی آرامگاه کهن و با روح سعدی و سنگ قبر او با گوشه های برآمده، که اینک در هفت تنان یا چهل تنان است شیراز است با ساختمان بلند و یک وری فروغی و سنگ قبر بلند و شعر دراز آن؛
- 6- و بررسی وضعیت مرمت باغ دلگشای شیراز و دو مظهر آب فئات آن زیر طاق کوشک و بیرون در جنوب آن؛
- 7- بررسی باغ گیاه شناسی ارم شیراز و این فکر تبدیل درختان به شکل حیوانات از کجا و از کدام نمونه برگرفته شده؛
- 8- نتیجه تغییر کاربری حمام وکیل به رستوران با مجوز خصوصی و دلیل باز پس گرفتن آن؛
- 9- دلیل جایگزین کردن سنگهای اصلی گندمک مسجد عتیق و سنگهای علامت دار مسجد وکیل با سنگهایی خاکستری با تراش ماشینی و سرد و علامت های تقلبی و وضعیت فعلی و راه کارها؛
- 10- و دلیل روند خشکیدن چنارهای باغ کاخ گلستان تهران؛
- 11- اوضاع برج طغرل؛ نشستن مسجد روی دیوار محوطه؛ تصحیح و تنظیم اطلاعات مربوط به برج در لوح بزرگ میراث فرهنگی؛ چه خبر از زیر برج. دلیل گذشتن مترو از نزدیک آن؛
- 12- وضعیت باغ گیاه شناسی نوشهر پس از بردن بخش شمالی آن؛
- 13- آیا می توان حوض جلوی کوشک باغ فین که چندین سوراخ برای رفت و آمد آب دارد و از کار افتاده را باز سازی نمود تا بازی آب شگفت آورش را دوباره دید و نشان داد؟ چه خبر از سلامت باغ فین. روزگاری مسئول باغ التماس می کرد کاری شود تا بزرگراه اصفهان - کاشان از بالای باغ و از نزدیکی آن نگذرد و حریم و سکوت آن را نشکنند؛
- 14- مجوز رستوران باغ شاهزاده نیز پس از تخریب قاب درهای آن پس گرفته شد. چرا برای کاستن از تبخیر آب آن را گل آلود می کنند؟ آیا کاری درست است؟ چه خبر از سلامت باغ؟ مرمت بکجا کشید؟
- 15- برنامه ای برای شناخت باغ های ایرانی در هرات و شهر سبز و سمرقند و بخارا و، بازهم منشور حفاظت و نگهداری و مدیریت باغ های باقیمانده ی ایران.

